

گسترش کارآفرینی میان زنان

قسمت اول

سمیه عالیشوندی - کارشناس علوم اقتصادی
فاطمه احمدی - کارشناس ارشد علوم اقتصادی

دنیای غرب را تشکیل می‌دهد. این در حالی است که بیش از ۴۰ درصد از استخدام شدگان را زنان تشکیل می‌دهند.

به هر حال کارآفرینی زنان در همه جای جهان در حال گسترش است. مطالعات نشان می‌دهد کسب و کارهایی که مالکشان زنان هستند بین یک چهارم تا یک سوم کسب و کارها، اقتصاد رسمی در جهان را در بر می‌گیرد و احتمالاً نقش مهمی در بخش‌های رسمی اقتصاد ایفا می‌کنند.

۴. ضرورت و اهمیت کارآفرینی زنان

زنان در کشورهای رو به توسعه امید اول برای ارتقای خانواده‌ها و رشد و توسعه کشورهای خود محسوب می‌شوند. موفقیت زنان کارآفرین در جوامع نه تنها سبب سودهای اقتصادی می‌شود بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌کنند.

زنان به دلایل متعددی نظیر بیکاری و کاهش دستمزدها و ناراضیاتی از شغل قبلی وارد کارآفرینی می‌شوند یا توجه به آمارهای رسمی در سال‌های اخیر، سهم اشتغال زنان، فقط ۱۴ درصد است و نرخ بیکاری در میان زنان خصوصاً نیروی تحصیل رده افزایش قابل توجهی داشته است. نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۳، حتی بسیار فراتر از متوسط نرخ بیکاری در کشور است.

با توجه به توسعه سهم زنان در اقتصاد ملی و مقابله با بحران بیکاری زنان ضروری است که شرایط لازم برای توسعه و کارآفرینی زنان فراهم شود تا زنان با ایجاد کسب و کار و فرصت‌های شغلی برای خود و دیگران بتوانند معضل کنونی جامعه را پایان بخشند.

۵. الگوی نقش و تأثیر آن در کارآفرینی زنان

از عواملی که از تجارب فرد حاصی می‌شود می‌توان به همنشینی با افرادی اشاره کرد که می‌توانند تأثیر به سزایی در تصمیم فرد به عنوان الگو برای کارآفرین شدن داشته باشند که به این عامل الگوی نقش گفته

طبیعت زنانه و مردانه بودن تقسیم می‌نمود تغییر کرد و از قالب سنتی بودن خود بیرون آمد.

۲. تعریفی از کارآفرینی زنان

پروفیسور لایوی دینا (۱۹۹۵)، زنان کارآفرین را چنین تعریف می‌کند: شخصی که به تنهایی، با مشارکت یا از طریق ارت کسب و کاری را ایجاد کرده یا پذیرفته و یا با قبول مسئولیت‌های اجتماعی و اداری و مالی، در اداره امور روزانه شرکت می‌جوید.

شخصی که خطرهای مالی را به منظور ورود به کسب و کاری می‌پذیرد و با خلاقیت و نوآوری محصولات جدیدی را ایجاد و تولیدات جدید را گسترش می‌دهد تا در بازار خرید و فروش بر رقبا غلبه یابد.

۳. وضع کارآفرینی زنان در جهان بر اساس آخرین آمار مرکز جهانی کارآفرینی (GEM)

از بین ۲/۴ میلیارد نیروی کار در جهان، مردان ۵۰ درصد، بیش از زنان درگیر امر کارآفرینی هستند. (۱۳/۹ درصد از مردان در مقایسه با فقط ۸/۹ درصد از زنان) این نسبت در کارآفرینی مبتنی بر فرصت برای مردان بیشتر است (۹/۳ درصد در مردان و ۴/۹ درصد در زنان). به هر حال، مردان دو برابر زنان درگیر فعالیت کارآفرینی هستند، اما این موضوع در هر کشور با کشور دیگر تفاوت دارد. چنان چه در کشورهای در حال توسعه حضور زن و مرد در کارآفرینی، تقریباً برابر است مانند: تایلند، چین، آفریقای جنوبی و مکزیک اما در کشورهای اروپایی و کشورهای توسعه یافته این نسبت، ۳ به ۱ است. (مانند کرواسی، سنگاپور، و ژاپن).

از میان ۳۷ کشور در بررسی‌های (GEM) کارآفرینی زنان در ژاپن از ۶ درصد (۶ از ۱۰۰۰) به ۱۸/۵ درصد (۱۸۵ از ۱۰۰۰) در تایلند متغیر است. با وجود آن که تعداد زنان کارآفرین در جهان افزایش می‌یابد اما سهم زنان در کارآفرینی، هنگامی که با نرخ مشارکت آن‌ها مقایسه می‌شود، پایین است. به عنوان مثال، نسبت زنان کارآفرین تقریباً ۳۰ درصد تعداد کارآفرینان رد

نتیجه توسعه اقتصادی سهم به سزایی دارد. عصر حاضر مقارن با عصر کارآفرینی است که مفهوم آن از دیرباز در متون و مطالعات اقتصادی شناخته شده است. چالش‌های فراوری اشتغال زنان در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه از یک سو، نابرابری در دسترسی به برخی از دوره‌های تحصیلات تکمیلی از سوی دیگر و عدم امکان بروز توانایی‌های زنان دانش آموخته در سطوح عالی، راه‌کار کارآفرینی را پیش روی دست‌اندرکاران این بخش نهاده است، چرا که کارآفرینان انقلابی را برانگیخته‌اند که اقتصادی جهانی را تغییر داده است زیرا پیدایش کسب و کار جدید به اقتصاد بازار، شور و نشاط می‌بخشد و فرصت‌های شغلی جدیدی را مهیا می‌سازد. کنار گذاشتن بخش وسیعی از نیروی فعال جامعه از بسیاری از مشاغل، به معنی هدر دادن منابع انسانی بوده و از بین‌بندی دیگر آن افزایش انعطاف‌ناپذیری بازار و کاهش توان اقتصادی برای تعدیل تغییرات است. ترویج کارآفرینی به عنوان یک راه‌کار مناسب برای حل این مشکل برگزیده شده است هر چند ایجاد اشتغال، تنها یکی از تبعات کارآفرینی است.

امروزه میزان مشارکت و اشتغال، یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی محسوب می‌شود و هم چنین میزان و نحوه مشارکت اقشار مختلف در فعالیت‌های اقتصادی یکی از عوامل و شاخص‌های توسعه است. یا این که ضرورت و الزام اقتصادی اشتغال و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، همواره در تاریخ پیشرفت و توسعه جوامع مختلف بشری مطرح بوده است، هنوز در بسیاری از کشورهای میان زنان و مردان تعدیل مطلوب و قابل قبولی در این زمینه و در فعالیت‌های مختلف ایجاد نشده است. تغییرات ایجاد شده در بستر زمان باعث شده تا زنان از محدوده خانه خارج شوند، جذب نظام شغلی جامعه گردند و در تغییر الگوی کار سنتی حاکم بر جامعه نیز تغییراتی ایجاد کنند. بدین ترتیب این الگو که بر اساس جنسیت بود و کارها را بر مبنای

زنان بیش از ۴۹ درصد کشور را تشکیل می‌دهند و بیش از ۱۱ درصد آن‌ها از نظر اقتصادی فعال می‌باشند. کشور ما دارای جمعیت جوان است که این امر سرمایه‌های ارزنده در اختیار برنامه‌ریزان کشور قرار داده است. از سوی دیگر تمایل زنان و دختران به تحصیلات دانشگاهی در سال‌های اخیر افزایش یافته و بیش از ۶۵ درصد ورودی دانشگاه‌ها را دختران به خود اختصاص داده‌اند. توسعه کارآفرینی در شرایط امروز به عنوان یکی از بهترین راه‌های ایجاد اشتغال است. در این تحقیق سعی شده است ابتدا با تبیین کارآفرینی در بین زنان و ذکر آمار موجود، وضعیت زنان ایران از نظر توانایی و قدرت کارآفرینی بررسی شود و سپس به آثار کارآفرینی زنان در صورت بروز کامل و ثمردهی منظم آن پرداخته شده است.

۱. مقدمه

در بسیاری از جوامع، برخی از گروه‌های اجتماعی با تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی روبرو هستند که همین امر آن‌ها را از دسترسی درست و دقیق به بازار کار و دستیابی به حداکثر توان بالقوه خود محروم می‌سازد. این گروه‌ها شامل زنان، کارگران کهنسال و کارگران بسیار جوان، افرادی با تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای، گروه‌های غیر بومی و اقلیت‌های مذهبی، هم چنین افرادی که در مدت زمان طولانی بیکار بوده‌اند، کارگرانی که مهارت آن‌ها در سطح پایینی است و نظایر آن می‌باشد. سطح تبعیض در همه کشورها با هر سطح توسعه وجود دارد. در این میان تبعیض‌هایی که علیه زنان و ارتقاء کارآفرینی آنان اعمال می‌شود در کاهش نقش آن‌ها در تولید ناخالص ملی کشورها و در



می‌شود.

خانواده و دوستان نیز به عنوان الگو برای کارآفرین شدن موثر می‌باشند، تأثیر زمینه‌های خانوادگی و نقش پدر و مادر بر روی کارآفرینان به طور خاص مهم است. کارآفرینانی که خانواده‌شان کارآفرین بودند، کارآفرینی‌شان با کارآفرینی خانواده‌شان رابطه مستقیم دارد این گونه رفتار و مشخصه والدین تأثیر مثبتی ایجاد می‌کند و منابع الهامی را برای کودکان به وجود می‌آورد. خانواده به ویژه پدر و مادر نقش مهمی در ایجاد یک تصور باور نکردنی و عمومی از کارآفرینی در ذهن فرزندان نمود دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که اغلب کارآفرینان دارای پدرهای خود اشتغال هستند. چنین پدرانی اغلب الگوی فرزندان خود قرار گرفته و ویژگی‌های کارآفرینانه نظیر استقلال، اعتماد به نفس و انعطاف‌پذیری را مستقیم و غیر مستقیم به آن‌ها می‌آموزند. تحقیقات نشان می‌دهد که این تأثیرات با حضور یک مادر کارآفرین بسیار تشدید شده است.

بروکهاوس و نورد (۱۹۸۰) در مطالعات خود دریافتند که بیشتر پدران کارآفرین موفق، در صناعی با فن‌آوری بالا، مالک و مدیر بودند. حداقل ۴۰ درصد کارآفرینان در خانواده‌های خود، تجربه‌های کارآفرینی را مشاهده کرده‌اند. فرزند یک کارآفرین در سر میز غذا یا اوقات فراغت پدر، از تجربه‌های کارآفرینانه او مطلع می‌شود و در تعطیلات آخر هفته بعد از ظهرها یا تابستان‌ها در کنار پدر خود فعالیت‌های کارآفرینی را تجربه می‌کند.

مطالعات انجام شده در استرالیا نشان می‌دهد که زمینه‌های خانوادگی و موفقیت فردی نقش مهمی در کارآفرینی ایفا می‌کند. اسپیچر و همکاران وی در سال (۱۹۸۹) در تحقیقات خود دریافتند که وجود یک والد در نقش مدیریتی با راندمان یادگیری مرتبط است. این مطالعه هم چنین نشان داد که افرادی که با یک والد (پدر یا مادر) که نقش کارآفرینی دارد، به طور قابل توجهی، موفق‌تر از افرادی بدون داشتن مدل‌های نقش، ظاهر می‌شوند. مشابه این تحقیق در کانادا نشان داد که ۳۳ درصد کارآفرینان زن در این مطالعه مانند پدرانشان کارآفرین شده‌اند. (لتر، هیسریچ و براش، ۱۹۹۷)

هیسریچ (۱۹۹۸) در تحقیقات خود دریافت که احتمال کارآفرین شدن برای فرزندان اولی یک خانواده بیش از سایر بچه‌هاست، در یک تحقیق ملی که توسط هیسریچ و براش بر روی ۴۸ زن کارآفرین انجام گرفت، ۵۰ درصد آمار کارآفرینی برای فرزندان اول به دست آمد.

اولین فرزند دختر خانواده بیشتر تمایل دارد تا کارآفرین شود. این دختران اغلب پدر و مادر خود را به عنوان الگو قرار می‌دهند. به ویژه مادران مانند پدران، الگوی فرزندان قرار می‌گیرند. مطالعات در آمریکا هم نشان داده است که تمایل به کارآفرین شدن در زنان، در اولین فرزند خانواده بیشتر است. (بنت و دان، ۲۰۰۰)

۶. تأثیر واقعه مهم در کارآفرین شدن زنان
همه اذعان دارند که تجربه‌های کودکی تأثیر به‌سزایی در زندگی آینده فرد دارد. به همین جهت مطالعات در ابعاد مختلف صورت گرفته است. یکی از ابعاد جدایی یا فوت والدین است.

مطالعاتی که در سطح وسیع در سال ۱۹۸۶ توسط دیوید اسلدر صورت گرفت نشان داد که ۷۴ درصد از کارآفرینان در دوران کودکی خود وقایعی حساس

نظیر فقر، نامنی، مرگ والدین یا جدایی آنان را تجربه کرده‌اند.

در تحقیقی که در پاکستان صورت گرفت، نتایج نشان داد که زنانی که در جستجوی تأمین امنیت هستند (جویندگان امنیت) بعد از حوادث ناگوار مانند اخراج، تحقیر، مرگ یکی از اعضای خانواده (به ویژه مرگ همسر)، طلاق یا بازنشستگی خود یا همسر، به منظور حفظ و اصلاح وضع اقتصادی یا اجتماعی خانواده شروع به کسب و کار می‌کنند. دلیل مهم آن‌ها در ایجاد کسب و کار این بود که کار مستقل، انعطاف‌پذیری بیشتری دارد. (امام‌شیر و گریگوریو، ۱۹۹۹)

آمارهای هم چنین نشان می‌دهد که در لهستان بیش از یک چهارم زنان کارآفرین هرگز برای داشتن یک شغل برنامه‌ریزی نمی‌کنند، یا مالکیت در کسب و کار را به عنوان شغل تدوین نمی‌کنند، بلکه ورود آن‌ها به کارآفرینی در نتیجه اتفاق فراموش نشدنی مانند مرگ

و کسب و کار، مجموعه‌ای از مسائلی مانند هویت شخصی، تضاد نقش، وفاداری، ارتباطات خانوادگی و گرایش به اقتدار را برای زنان ایجاد کند. (میسیتیک، ۲۰۰۰)

کارآفرینی به عنوان یک شغل می‌تواند انعطاف‌پذیری و تعادلی را ایجاد کند که سایر مشاغل قادر به آن نیستند. (دمارتینو و بارتو، ۲۰۰۲)

نتایج حاصل از تحقیق انجام شده بر روی ۱۴۰ زن کارآفرین ایرانی نشان می‌دهد که خانواده و وقایع مهم مانند فوت همسر، طلاق، بیماری همسر و نظایر آن‌ها در کارآفرینی زنان موثر است.

هم چنین، زنان عواملی مانند چند مسئولیت بدون، محدودیت‌های مسافرت، تفکیک فعالیت‌ها (کارخانه برای زنان و کار بیرون برای مردان)، و عدم تصرف در دارایی‌های خود را از موانع و مشکلات خانوادگی خود می‌دانستند. (گلرد، ۱۳۸۲)

زنان و برخی از گروه‌های جامعه باید بر مسائل و رویکردهایی که علاوه بر محدودیت‌های مختلفی که پیش روی یک کارآفرین یا ایجادکنندگان و توسعه‌دهندگان بنگاه‌های اقتصادی قرار دارد و گهگاه نیز غیر قابل حل هستند؛ فائق آیند. دلیل این محدودیت‌ها اغلب وجود تبعیض‌های مختلفی است که در سطح عمیقی از رفتارهای فرهنگی حاکم بر جوامع تثبیت شده و در این میان کارآفرینان زن، بزرگترین گروه از جمعیتی را تشکیل می‌دهند که از چنین اعمال تبعیض آمیز شغلی و تجاری رنج می‌برند.

همسر است. (هلمز و مرلین، ۲۰۰۰)

۷. تضاد نقش زنان کارآفرین و تعادل برقرار کردن بین کار و زندگی شخصی

ارزش‌ها و اولویت‌های مردان و زنان هنگام شروع کار متفاوت است. کارآفرینان زن بیش از مردان به رفاه خانواده و فرزندان خود اهمیت می‌دهند. این امر تضاد را بین ارزش‌های کار و خانواده به وجود می‌آورد. کارآفرینان زن، به میزان زیادی بین ارزش‌های کار و ارزش‌های خانواده تضادی قائل‌اند. بنابراین آنان به ارزش‌های کلی و توازن در خانواده اهمیت بیشتری می‌دهند تا رشد و درآمد در کسب و کار (کنتاد و کچلدسن، ۲۰۰۰).

براش (۱۹۹۲) در تحقیقات خود به این نتایج دست یافت که مالکیت شخصی در کسب و کار و یک حرفه، با تمام شرایط زندگی زنان سازگار بوده و مطابقت دارد. زنان به طور گسترده‌ای سعی در ایجاد مشاغلی دارند که دارای انعطاف‌پذیری فراوان بوده و به آن‌ها اجازه دهده که به راحتی تعادل بین کار و خانواده را حفظ کنند. در مطالعه‌ای که روی ۲۲۰ زن کارآفرین ترکیه انجام شد، ارتباط متقابل میان زندگی خانوادگی و کسب و کار مورد بررسی قرار گرفت. آن‌ها در گزارش‌های خود چنین بیان کردند که کارآفرینان زن، در خانواده‌های خود با مشکلات فراوانی مواجه هستند که به عواملی مانند گرایش به استرس، انتظارات زیاد اعضای خانواده و نبود تعادل بین زندگی خانوادگی و کسب و کار آن‌ها مربوط می‌شود اما به هر حال این زنان معتقد بودند که کارآفرینی، اثر مثبتی در زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان دارد. درهم آمیختگی خانواده

۸. گسترش کارآفرینی میان زنان

در بسیاری از جوامع، برخی از گروه‌های اجتماعی با تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی رو به رو هستند که همین امر، آن‌ها را از دسترسی درست و دقیق به بازار کار و دستیابی به حداکثر توان بالقوه محروم می‌کند. این گروه‌ها در برگیرنده زنان، کارگران کهنسال و کارگران بسیار جوان، افرادی با تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای، گروه‌های غریبومی و اقلیت‌های مذهبی، هم‌چنین افرادی هستند که در مدت زمان طولانی بیکار بوده‌اند و کارگرانی که مهارت آن‌ها در سطح پایینی قرار دارد.

سطح تبعیضی که افراد خاص با آن روبرو می‌شوند از کشوری به کشوری دیگر متفاوت است اما اعمال تبعیض در همه کشورها با هر سطح توسعه وجود دارد. در این میان تبعیض‌هایی که علیه زنان و ارتقا کارآفرینی آنان اعمال می‌شود در کاهش نقش آن‌ها در تولید ناخالص ملی کشورها و در نتیجه توسعه اقتصادی سهم به‌سزایی دارد.

زنان و برخی از گروه‌های جامعه باید بر مسائل و رویکردهایی که علاوه بر محدودیت‌های مختلفی که پیش روی یک کارآفرین یا ایجاد کنندگان و توسعه‌دهندگان بنگاه‌های اقتصادی قرار دارد و گهگاه نیز غیر قابل حل هستند؛ فائق آیند. دلیل این محدودیت‌ها اغلب وجود تبعیض‌های مختلفی است که در سطح عمیقی از رفتارهای فرهنگی حاکم بر جوامع تثبیت شده و در این میان کارآفرینان زن، بزرگترین گروه از جمعیتی را تشکیل می‌دهند که از چنین اعمال تبعیض آمیز شغلی و تجاری رنج می‌برند. هر چند این

مسائل در مورد گروه‌های دیگر جامعه، مثل افرادی که دچار اختلالات خاصی هستند، افراد بسیار جوان و افراد کهنسال، اقلیت‌های مذهبی و قومی و افراد بیگانه و نیز افرادی که بیماری خاصی (مثل ایدز) دارند نیز وجود دارد اما هنوز مشخص نیست که آیا این افراد توانایی لازم برای ایجاد و توسعه موفقیت‌آمیز کسب و کار را دارند یا خیر؟ اگر به جای این که به توانمندی و کفایت زنان در ایجاد و توسعه کسب و کار توجه شود در مورد آن‌ها اعمال تبعیض شود، امری ناگوار و به دور از نگاه کارشناسانه است، از این رو این موانع بر جوامعی که پتانسیل مشارکت‌های اقتصادی زنان در سطح پایین و ناچیزی قرار دارد، تأثیر منفی خواهد گذاشت. برخی از این مسائل برای دولت‌ها گروه‌های زنان و سازمان‌های مختلفی که هدف آن‌ها حفظ و ارتقاء حقوق افراد است و با این تبعیض‌ها مواجه هستند شناخته شده است اما همه افراد در هر شرایطی که قرار دارند باید از فرصت‌های برابر و یسکان از نظر دسترسی به منابع، مهارت‌ها و دانش برخوردار باشند تا قادر باشند از توان خود حداکثر استفاده را کنند. علاوه بر این آن‌ها باید بتوانند در صورت عضویت در سازمان‌های کارفرمایی و کارگری از حمایت‌های لازم برخوردار شوند به طوری که گرایش‌ها و کسب و کار آن‌ها ضمن قرار گیری در مسیر درست و سطوح مختلف بوروکراسی، تکامل و ارتقا یابد.

اعمال تبعیض آمیز علیه زنان در گزارش سازمان جهانی کار (ILO) در مورد تساوی کار (۲۰۰۳) اشکال گوناگون تبعیض علیه زنان را نشان می‌دهد بسیاری از زنان با وجود مسئولیت‌های دوگانه با نابرابری‌ها و موانع موجود در شغل و کسب درآمد نیز مواجه هستند که اغلب به خاطر تبعیض‌های جنسیتی است. اعمال تبعیض آمیز شامل مواردی چون مخالفت مردان با فعالیت همسرشان در بنگاه‌های اقتصادی و ایجاد یک حرفه یا شغل است. در بسیاری از جوامع به دلیل محدودیت‌های فرهنگی که وجود دارد از زنان انتظار می‌رود تا اوقات زندگی‌شان را در یک محیط محافظت شده سپری کنند که آن‌ها را از رویارویی با افرادی قوی‌تر حفظ کرده و دور نگه دارد. هم چنین از زنان خواسته می‌شود تا فعالیت‌هایشان را به خنده‌داری و مراقبت از فرزندان محدود کنند. البته این موارد در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. در اغلب کشورهای توسعه یافته و همین طور در تعداد زیادی از کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و آسیا افزایش چشم‌گیری در تعداد زنانی که به کارآفرینی و ایجاد کسب و کار پرداخته‌اند حاصل شده است. زنان بخش قابل توجهی از سهام بنگاه‌های اقتصادی کوچک (SME) را تشکیل می‌دهند و بنابراین تقویت مشارکت بالقوه آن‌ها برای رشد اقتصادی هر کشور ضروری است. با تحقق این امر، دولت‌ها نیز باید برای کاهش فقر و توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان مشارکت کنند.

گسترش عدالت اجتماعی و حمایت از زنان شاغل، هم چنین گسترش تساوی بین زنان و مردان در اداره کسب و کار و انجام شغل در مرکز سازمان جهانی کار مورد تأکید قرار گرفته و در بسیاری از مناطق اجرا شده است. در حالی که اصل برابری فرصت‌ها در کار بین زن و مرد در سطحی وسیع در بسیاری از کشورها پذیرفته شده اما در عین حال برخی نابرابری‌ها در سطح جهانی هنوز ادامه دارد. این نابرابری‌ها به ویژه در

بخش نگاه‌های اقتصادی کوچک دیده می‌شود (جایی که کارآفرینان زن اغلب در بخش اقتصاد غیر رسمی فعالیت می‌کنند و طبق گزارش‌های موجود داوطلب مشاغل جدی و حساس هستند). زنان باید به منظور دستیابی هر چه بیشتر به توانمندی‌های خود بر اساس سیاست‌ها و برنامه‌هایی به شناسایی محدودیت‌های مختلفی که در مقابل توانایی‌هایش وجود دارد؛ بپردازد. فعالیت‌های اقتصادی زنان ممکن است با تبعیض‌های مستقیم و غیر مستقیم محدود شود. برای مثال تبعیض مستقیم در دسترسی به ساز و کارهای حمایتی مانند آموزش و مسائل مالی و اعتباری است. از سوی دیگر تبعیض غیر مستقیم، معمولاً به خاطر نداشتن شناخت کافی یا نپذیرفتن نقش‌های متفاوت زنان در جامعه و تأثیر آن بر اشتغال اعمال می‌شود.

شش محدودیت مهم برای زنان کارآفرین شناسایی شده است که به این شرح است:

- پر رنگ‌تر بودن نقش زنان در خانواده و نیاز بیش از مردان به حضور دائمی آن‌ها در خانواده.
- وجود افکار منفی در مورد نقش زنان در کسب و کار.

- سطوح آموزشی نسبتاً پایین‌تر زنان، به دلیل دسترسی محدود به فرصت‌های آموزشی شغلی،

- فرصت‌های محدودتر در بخش دولتی برای توسعه مهارت‌ها،

- دسترسی ناکافی زنان کارآفرین به فن‌آوری خدمات حمایتی و اطلاع‌رسانی،

- دسترسی کمتر زنان به اعتبارات نسبت به مردان به دلیل ضعف مسائل مربوط به ضمانت و مقادیر کم اعتبارات و نیز نگرش منفی در مورد توان بازپس‌دهی پایین زنان کارآفرین از سوی متصدیان وام.

در بعضی کشورها قوانین یا مسائل اجتماعی مانع از مالکیت زنان بر اموال شده و بنابراین از ثبت کارآفرینان با عنوان نام یک زن و نیز دستیابی آنان به خدمات دولتی برای توسعه کسب و کار و برنامه‌های توسعه نگاه‌های اقتصادی کوچک جلوگیری می‌کنند. رویکردها و

برنامه‌های پیشنهادی برای کاهش محدودیت‌هایی که با آن مواجه هستند وجود دارد که از آن جمله می‌توان به دو راه حل اصلی اشاره کرد: یکی راه حل بلند مدت با هدف تغییر تدریجی رفتارهای فرهنگی و اجتماعی که اشکال بدتر تبعیض را کاهش می‌دهد و دیگری راه حل‌های کوتاه مدت و میان مدت که

بسیاری از کشورها به کار گرفته می‌شوند. راه حل بلند مدت نیاز به استفاده از انواع مختلف روش‌هایی دارد که سطح آگاهی‌های عمومی را افزایش داده و تحقق آن از طریق سمینارها، کارگاه‌های آموزشی و در قالب فیلم‌های آموزشی و برنامه رسانه‌های ارتباط جمعی امکان‌پذیر است. راه حل‌های کوتاه مدت و

در قالب فیلم‌های آموزشی و برنامه رسانه‌های ارتباط جمعی امکان‌پذیر است. راه حل‌های کوتاه مدت نیز با استفاده پهنه و موثر از قوانین موجود در مقابل

اعمال تبعیض‌آمیز ارائه می‌شوند در برنامه‌های توسعه کارآفرینی زنان، نکات مهمی در گسترش کارآفرینی زنان وجود دارد که به این شرح مطرح می‌شود:

- توجه به ویژگی‌های گروه هدف نقش‌های دو گانه زنان هم به عنوان همسران خانه‌دار و هم به عنوان مادر و نیز یک فرد مشارکت کننده در درآمد خانواده،

- شناسایی فرصت‌ها و خدمات مناسب کسب و کار که از انعطاف‌پذیری کافی برای رویارویی با تغییرات میزان

تقاضا در بازار کار برخوردار باشد، توجه به این واقعیت که بسیاری از زنان باید بخشی از وقت خود به فعالیت‌های خانه‌داری و پرورش و نگهداری فرزندانشان اختصاص دهند،

- فراهم کردن آموزش مفید، موثر، قابل دسترس و مرتبط همراه با دسترسی به مدیریت مالی دقیق و پایدار،

- شناسایی و تقویت کانال‌های مناسب برای ارائه خدمات مالی و غیر مالی به زنان کارآفرین،

- تأسیس شبکه‌های کاری و اطمینان از هماهنگی بین بخش‌های دولتی و غیر دولتی،

- آموزش افراد در بخش‌های دولتی و بانک‌ها و دیگر موسسه‌های مالی یا اعتباری برای تشخیص توان اقتصادی کارآفرینان زن.

نتایج تحقیقات انجام شده در توسعه کارآفرینی زنان که اطلاعات مورد نیاز آن از بیش از ۵۰ کشور جهان جمع‌آوری شده است، نشان‌دهنده اهمیتی است که اغلب کشورها برای توسعه کارآفرینی قائل شده‌اند.

کشورها از مردان بیشتر است اما فعالیت آن‌ها به اداره یک کسب و کار خیلی کوچک و پتانسیل رشد محدود ختم می‌شود. در جنوب آفریقا زنان بیشتر از مردان به اداره هر نوع کسب و کار می‌پردازند (۱۸ درصد در مقابل ۱۱ درصد)، اما بیشتر در بخش شرکت‌های کوچک متمرکز شده‌اند (۴۲ درصد کارآفرین در سال ۱۹۹۶).

۹. اشتغال زنان، منبع کارآفرینی

یک تلقی عام وجود دارد مبنی بر آن که اگر زنی شغلی به دست آورد یا در سازمان و نهادی استخدام شود، از سهم مردی که جویای کار است، می‌دزدد و فرصت شغلی و استخدامی را که می‌توانست نصیب مردی شود و خانواده‌ای را خوشبخت سازد، هدر می‌دهد! با این تلقی است شاید که گفته می‌شود:

ایجاد موفقیت شغلی و استخدامی برای یک زن امکان یافتن شغل و استخدام شدن را از مردی که باید نفقه بپردازد، می‌گیرد و این یعنی گرفتن امکان موفقیت از یک خانواده.

بر خلاف آن تصور ابتدایی و رایج که اشتغال زنان را مانع اشتغال مردان می‌داند و نفقه‌دهی مرد را برگ برنده او برای دریافت فرصت شغلی برای او با یک زن رو می‌کند، مستندات تجربی و آمار کشورهای مختلف آشکار می‌کند که اشتغال زنان باعث اشتغال‌زایی بیشتر در جامعه می‌شود. در حالی که تا پیش از دوره انقلاب صنعتی، کار مسئولیتی مردانه و خانواده حوزه مسئولیت زنان تلقی می‌شد، پس از انقلاب صنعتی، کار- خانواده دو حیطة مستقل و جدا از هم تلقی شدند که یکدیگر را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند و باید این دو حیطة و وظایف مربوط به هر یک، دور از دیگری نگه داشته شوند. اما با پیدایش و افزایش خانواده‌هایی که در آن‌ها زن و شوهر هر دو شاغل و دارای درآمد بودند، سبک زندگی خانوادگی نوینی شکل گرفت که به تبعیت از نقش‌های سنتی زن در خانه و با پذیرش و ایفای تعهدات بیشتر و جدیدتر، زنان را با فشارهای متعددی مواجه می‌کرد.

فشارهای فیزیکی حاصل از انجام وظایف پایان‌پذیر کاری و خانگی موجب خستگی مفرد زنان شاغل می‌شد و فشار روانی حاصل از برآورده نکردن تقاضاهای منبعث از تلقی‌های سنتی، اضطراب و افسردگی را در آن‌ها ایجاد می‌کرد. از نیمه دوم قرن بیستم و در ایران از نیمه دوم دهه ۱۳۷۰، با ورود تعداد زیاد زنان تحصیل کرده به بازار کار، رویکرد تقابلی کار- خانواده جایگاه خود را به طور چشم‌گیری از دست داد و به ویژه در جوامع شهری مسئولیت‌هایی چون مراقبت از فرزندان و کارهای مربوط به خانه‌داری تا حدودی از حیطة اختصاصی زنان خارج شد، البته برای تعدیل انتظارات موجود نسبت به مسئولیت‌های خانگی زنان، راه‌های نرفته بسیاری باقی مانده است. برای پاسخگویی به تقاضاهای هم چنان باقی‌مانده از نقش‌های سنتی زنان، در دهه گذشته، نهادها و موسسه‌های بسیاری شکل گرفته‌اند که خدمات آن‌ها با استقبال فراوانی مواجه شده است. زن شاغلی را تصور کنید که بنا به تعهد کاری خود روزانه ساعات متمداری را در محیط کاری خود می‌گذراند. پیشاپیش، مشخص است که این زن برای ایجاد تعادل میان خواست‌های فردی و خانوادگی‌اش به نهادهای واسطه‌ای اجتماعی و خدمات نظافتی، بهداشتی و نظایر آن‌ها نیازمند است.

بدون در نظر گرفتن آن که استخدام شدن یا اشتغال یک زن چه نسبت مستقیم یا معکوسی با موفقیت یک خانواده دارد و چه تضمینی هست مردی که فرصت اشتغال به دست آورده خانواده‌ای موفق را سر و سامان دهد، این پیش‌فرض در ذهن بسیاری از مسئولان حکومتی و مردم عادی جاخوش کرده که اشتغال زنان مانعی برای اشتغال مردان است.

در مقابل، دیدگاه‌های جدیدی از حضور زنان رد فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی وجود دارد که ایده‌هایی کاملاً متناقض با گزاره‌های بالا را مطرح و با استناد به آمار و ارقام در سطوح کلان، صحت آن‌ها را ثبات می‌کند. یکی از مباحث جدی سال‌های اخیر در سطح جامعه جهانی این است که فقط کشورهای توانسته‌اند گام‌های بلند در مسیر توسعه همه جانبه بردارند که به ضرورت بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های انسانی زنان توجه کرده‌اند.

آمارها همیشه زبانی گویا دارند. آمارها به سادگی و صراحت می‌روند سرخ صورت مسأله و به روشنی نشان می‌دهند که بازار کار کنونی ایران با انبوهی از جمعیت متقاضی کار رو به روست. آمارها هشدار می‌دهند که ناکافی بودن فرصت‌های شغلی به افزایش میزان بیکاری منتهی خواهد شد و این که وضع موجود در فرآیند ایجاد اشتغال نه با تقاضای بیکاران تناسبی دارد و نه حتی با تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهی یا جمعیت کشور.

بررسی‌های دقیق بانک جهانی نشان می‌دهد در

آمارها همیشه زبانی گویا دارند. آمارها به سادگی و صراحت می‌روند سرخ صورت مسأله و به روشنی نشان می‌دهند که بازار کار کنونی ایران با انبوهی از جمعیت متقاضی کار رو به روست. آمارها هشدار می‌دهند که ناکافی بودن فرصت‌های شغلی به افزایش میزان بیکاری منتهی خواهد شد و این که وضع موجود در فرآیند ایجاد اشتغال نه با تقاضای بیکاران تناسبی دارد و نه حتی با تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهی یا جمعیت کشور.

بیشترین تعداد پاسخ‌ها اشاره به اقداماتی دارد که توسط دولت‌ها برای حمایت از کارآفرینی زنان انجام شده است و در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

اهمیت کارآفرینی زنان و مشارکت آن‌ها در اقتصاد محلی،

برنامه‌های آموزشی برای گسترش کارآفرینی زنان، ارائه امکانات ویژه با ایجاد نگرش جنسیتی،

تسهیل دسترسی آسان‌تر زنان به خدمات مالی، محافظت و حمایت قانونی از زنان و برنامه‌های حمایتی با تأکید بر جنسیت و اقدامات و قوانین تبعیض‌آمیزی که زنان با آن‌ها مواجه هستند.

تعدادی از کشورها به محدودیت‌های قانونی و بسیاری از موارد تبعیض‌آمیز که زنان در تأسیس یا اداره یک کسب و کار با آن‌ها رو به رو هستند اشاره می‌کنند.

در کشور جامائیکا، کارآفرین زن برای گرفتن وام و برخوردار شدن از تسهیلات بانکی با مشکلات بسیاری مواجه هستند که دلیل اصلی آن به رفتار تبعیض‌آمیز بخش وام‌دهنده و این نگرش که از یک سو سطح تحصیلات زنان پایین بوده و نیز توانایی لازم برای معرفی ضامن را ندارند و از سوی بسیاری توانایی زنان را برای انجام امور بوروکراسی محدود می‌دانند؛ بر می‌گردد. در پاکستان، موفقیت اجتماعی برای زنان کارآفرین و به ویژه آن دسته از زنان که قصد ایجاد یک کسب و کار را دارند بسیار دشوار است. آن‌ها هم با موانع قانونی و هم با اقدام‌های تبعیض‌آمیز اجتماعی رو به رو هستند. با این که تعداد زنان در بسیاری از

کشورهای شمال اروپا که زنان بیشتری در بازار کار فعال هستند، بر خلاف جنوب این قاره که زنان کمتری به فعالیت اقتصادی خارج از خانه می‌پردازند؛ دارای آمار بیکاری پایین‌تر است.

در سال‌های اخیر، بانک‌های جهانی که کارشناسان آن توصیه‌های موثری برای بهبود وضع اقتصادی کشورها دارند؛ تأکید کرده‌اند که فعالیت زنان در عرصه‌های اقتصادی کمک بسیاری به بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های اقتصادی کشورها می‌کند. این موضوع به ویژه در کشورهای منطقه خاورمیانه نظیر ایران که تعداد زنان دارای مهارت‌های علمی و عملی روز به روز در حال افزایش است اهمیت بیشتری دارد.

۱۰. کارآفرینی و ابتکار عمل به یمن حضور زنان

بر خلاف آن تصور ابتدایی و رایج که اشتغال زنان را مانع اشتغال مردان می‌داند و نفقه‌دهی مرد را برگ برنده او برای دریافت فرصت شغلی برای او با یک زن رو می‌کند، مستندات تجربی و آمار کشورهای مختلف آشکار می‌کند که اشتغال زنان باعث اشتغال‌زایی بیشتر در جامعه می‌شود. در حالی که تا پیش از دوره انقلاب صنعتی، کار مسئولیتی مردانه و خانواده حوزه مسئولیت زنان تلقی می‌شد، پس از انقلاب صنعتی، کار- خانواده دو حیطة مستقل و جدا از هم تلقی شدند که یکدیگر را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند و باید این دو حیطة و وظایف مربوط به هر یک، دور از دیگری نگه داشته شوند. اما با پیدایش و افزایش خانواده‌هایی که در آن‌ها زن و شوهر هر دو شاغل و دارای درآمد بودند، سبک زندگی خانوادگی نوینی شکل گرفت که به تبعیت از نقش‌های سنتی زن در خانه و با پذیرش و ایفای تعهدات بیشتر و جدیدتر، زنان را با فشارهای متعددی مواجه می‌کرد.

فشارهای فیزیکی حاصل از انجام وظایف پایان‌پذیر کاری و خانگی موجب خستگی مفرد زنان شاغل می‌شد و فشار روانی حاصل از برآورده نکردن تقاضاهای منبعث از تلقی‌های سنتی، اضطراب و افسردگی را در آن‌ها ایجاد می‌کرد. از نیمه دوم قرن بیستم و در ایران از نیمه دوم دهه ۱۳۷۰، با ورود تعداد زیاد زنان تحصیل کرده به بازار کار، رویکرد تقابلی کار- خانواده جایگاه خود را به طور چشم‌گیری از دست داد و به ویژه در جوامع شهری مسئولیت‌هایی چون مراقبت از فرزندان و کارهای مربوط به خانه‌داری تا حدودی از حیطة اختصاصی زنان خارج شد، البته برای تعدیل انتظارات موجود نسبت به مسئولیت‌های خانگی زنان، راه‌های نرفته بسیاری باقی مانده است. برای پاسخگویی به تقاضاهای هم چنان باقی‌مانده از نقش‌های سنتی زنان، در دهه گذشته، نهادها و موسسه‌های بسیاری شکل گرفته‌اند که خدمات آن‌ها با استقبال فراوانی مواجه شده است. زن شاغلی را تصور کنید که بنا به تعهد کاری خود روزانه ساعات متمداری را در محیط کاری خود می‌گذراند. پیشاپیش، مشخص است که این زن برای ایجاد تعادل میان خواست‌های فردی و خانوادگی‌اش به نهادهای واسطه‌ای اجتماعی و خدمات نظافتی، بهداشتی و نظایر آن‌ها نیازمند است.

بدون در نظر گرفتن آن که استخدام شدن یا اشتغال یک زن چه نسبت مستقیم یا معکوسی با موفقیت یک خانواده دارد و چه تضمینی هست مردی که فرصت اشتغال به دست آورده خانواده‌ای موفق را سر و سامان دهد، این پیش‌فرض در ذهن بسیاری از مسئولان حکومتی و مردم عادی جاخوش کرده که اشتغال زنان مانعی برای اشتغال مردان است.

در مقابل، دیدگاه‌های جدیدی از حضور زنان رد فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی وجود دارد که ایده‌هایی کاملاً متناقض با گزاره‌های بالا را مطرح و با استناد به آمار و ارقام در سطوح کلان، صحت آن‌ها را ثبات می‌کند. یکی از مباحث جدی سال‌های اخیر در سطح جامعه جهانی این است که فقط کشورهای توانسته‌اند گام‌های بلند در مسیر توسعه همه جانبه بردارند که به ضرورت بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های انسانی زنان توجه کرده‌اند.

آمارها همیشه زبانی گویا دارند. آمارها به سادگی و صراحت می‌روند سرخ صورت مسأله و به روشنی نشان می‌دهند که بازار کار کنونی ایران با انبوهی از جمعیت متقاضی کار رو به روست. آمارها هشدار می‌دهند که ناکافی بودن فرصت‌های شغلی به افزایش میزان بیکاری منتهی خواهد شد و این که وضع موجود در فرآیند ایجاد اشتغال نه با تقاضای بیکاران تناسبی دارد و نه حتی با تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهی یا جمعیت کشور.

بررسی‌های دقیق بانک جهانی نشان می‌دهد در

بیشترین تعداد پاسخ‌ها اشاره به اقداماتی دارد که توسط دولت‌ها برای حمایت از کارآفرینی زنان انجام شده است و در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

اهمیت کارآفرینی زنان و مشارکت آن‌ها در اقتصاد محلی،

برنامه‌های آموزشی برای گسترش کارآفرینی زنان، ارائه امکانات ویژه با ایجاد نگرش جنسیتی،

تسهیل دسترسی آسان‌تر زنان به خدمات مالی، محافظت و حمایت قانونی از زنان و برنامه‌های حمایتی با تأکید بر جنسیت و اقدامات و قوانین تبعیض‌آمیزی که زنان با آن‌ها مواجه هستند.

تعدادی از کشورها به محدودیت‌های قانونی و بسیاری از موارد تبعیض‌آمیز که زنان در تأسیس یا اداره یک کسب و کار با آن‌ها رو به رو هستند اشاره می‌کنند.

در کشور جامائیکا، کارآفرین زن برای گرفتن وام و برخوردار شدن از تسهیلات بانکی با مشکلات بسیاری مواجه هستند که دلیل اصلی آن به رفتار تبعیض‌آمیز بخش وام‌دهنده و این نگرش که از یک سو سطح تحصیلات زنان پایین بوده و نیز توانایی لازم برای معرفی ضامن را ندارند و از سوی بسیاری توانایی زنان را برای انجام امور بوروکراسی محدود می‌دانند؛ بر می‌گردد. در پاکستان، موفقیت اجتماعی برای زنان کارآفرین و به ویژه آن دسته از زنان که قصد ایجاد یک کسب و کار را دارند بسیار دشوار است. آن‌ها هم با موانع قانونی و هم با اقدام‌های تبعیض‌آمیز اجتماعی رو به رو هستند. با این که تعداد زنان در بسیاری از

کشورهای شمال اروپا که زنان بیشتری در بازار کار فعال هستند، بر خلاف جنوب این قاره که زنان کمتری به فعالیت اقتصادی خارج از خانه می‌پردازند؛ دارای آمار بیکاری پایین‌تر است.

در سال‌های اخیر، بانک‌های جهانی که کارشناسان آن توصیه‌های موثری برای بهبود وضع اقتصادی کشورها دارند؛ تأکید کرده‌اند که فعالیت زنان در عرصه‌های اقتصادی کمک بسیاری به بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های اقتصادی کشورها می‌کند. این موضوع به ویژه در کشورهای منطقه خاورمیانه نظیر ایران که تعداد زنان دارای مهارت‌های علمی و عملی روز به روز در حال افزایش است اهمیت بیشتری دارد.

۱۰. کارآفرینی و ابتکار عمل به یمن حضور زنان

بر خلاف آن تصور ابتدایی و رایج که اشتغال زنان را مانع اشتغال مردان می‌داند و نفقه‌دهی مرد را برگ برنده او برای دریافت فرصت شغلی برای او با یک زن رو می‌کند، مستندات تجربی و آمار کشورهای مختلف آشکار می‌کند که اشتغال زنان باعث اشتغال‌زایی بیشتر در جامعه می‌شود. در حالی که تا پیش از دوره انقلاب صنعتی، کار مسئولیتی مردانه و خانواده حوزه مسئولیت زنان تلقی می‌شد، پس از انقلاب صنعتی، کار- خانواده دو حیطة مستقل و جدا از هم تلقی شدند که یکدیگر را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند و باید این دو حیطة و وظایف مربوط به هر یک، دور از دیگری نگه داشته شوند. اما با پیدایش و افزایش خانواده‌هایی که در آن‌ها زن و شوهر هر دو شاغل و دارای درآمد بودند، سبک زندگی خانوادگی نوینی شکل گرفت که به تبعیت از نقش‌های سنتی زن در خانه و با پذیرش و ایفای تعهدات بیشتر و جدیدتر، زنان را با فشارهای متعددی مواجه می‌کرد.

فشارهای فیزیکی حاصل از انجام وظایف پایان‌پذیر کاری و خانگی موجب خستگی مفرد زنان شاغل می‌شد و فشار روانی حاصل از برآورده نکردن تقاضاهای منبعث از تلقی‌های سنتی، اضطراب و افسردگی را در آن‌ها ایجاد می‌کرد. از نیمه دوم قرن بیستم و در ایران از نیمه دوم دهه ۱۳۷۰، با ورود تعداد زیاد زنان تحصیل کرده به بازار کار، رویکرد تقابلی کار- خانواده جایگاه خود را به طور چشم‌گیری از دست داد و به ویژه در جوامع شهری مسئولیت‌هایی چون مراقبت از فرزندان و کارهای مربوط به خانه‌داری تا حدودی از حیطة اختصاصی زنان خارج شد، البته برای تعدیل انتظارات موجود نسبت به مسئولیت‌های خانگی زنان، راه‌های نرفته بسیاری باقی مانده است. برای پاسخگویی به تقاضاهای هم چنان باقی‌مانده از نقش‌های سنتی زنان، در دهه گذشته، نهادها و موسسه‌های بسیاری شکل گرفته‌اند که خدمات آن‌ها با استقبال فراوانی مواجه شده است. زن شاغلی را تصور کنید که بنا به تعهد کاری خود روزانه ساعات متمداری را در محیط کاری خود می‌گذراند. پیشاپیش، مشخص است که این زن برای ایجاد تعادل میان خواست‌های فردی و خانوادگی‌اش به نهادهای واسطه‌ای اجتماعی و خدمات نظافتی، بهداشتی و نظایر آن‌ها نیازمند است.

بدون در نظر گرفتن آن که استخدام شدن یا اشتغال یک زن چه نسبت مستقیم یا معکوسی با موفقیت یک خانواده دارد و چه تضمینی هست مردی که فرصت اشتغال به دست آورده خانواده‌ای موفق را سر و سامان دهد، این پیش‌فرض در ذهن بسیاری از مسئولان حکومتی و مردم عادی جاخوش کرده که اشتغال زنان مانعی برای اشتغال مردان است.

در مقابل، دیدگاه‌های جدیدی از حضور زنان رد فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی وجود دارد که ایده‌هایی کاملاً متناقض با گزاره‌های بالا را مطرح و با استناد به آمار و ارقام در سطوح کلان، صحت آن‌ها را ثبات می‌کند. یکی از مباحث جدی سال‌های اخیر در سطح جامعه جهانی این است که فقط کشورهای توانسته‌اند گام‌های بلند در مسیر توسعه همه جانبه بردارند که به ضرورت بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های انسانی زنان توجه کرده‌اند.

آمارها همیشه زبانی گویا دارند. آمارها به سادگی و صراحت می‌روند سرخ صورت مسأله و به روشنی نشان می‌دهند که بازار کار کنونی ایران با انبوهی از جمعیت متقاضی کار رو به روست. آمارها هشدار می‌دهند که ناکافی بودن فرصت‌های شغلی به افزایش میزان بیکاری منتهی خواهد شد و این که وضع موجود در فرآیند ایجاد اشتغال نه با تقاضای بیکاران تناسبی دارد و نه حتی با تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهی یا جمعیت کشور.

بررسی‌های دقیق بانک جهانی نشان می‌دهد در

بیشترین تعداد پاسخ‌ها اشاره به اقداماتی دارد که توسط دولت‌ها برای حمایت از کارآفرینی زنان انجام شده است و در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

اهمیت کارآفرینی زنان و مشارکت آن‌ها در اقتصاد محلی،

برنامه‌های آموزشی برای گسترش کارآفرینی زنان، ارائه امکانات ویژه با ایجاد نگرش جنسیتی،

تسهیل دسترسی آسان‌تر زنان به خدمات مالی، محافظت و حمایت قانونی از زنان و برنامه‌های حمایتی با تأکید بر جنسیت و اقدامات و قوانین تبعیض‌آمیزی که زنان با آن‌ها مواجه هستند.

تعدادی از کشورها به محدودیت‌های قانونی و بسیاری از موارد تبعیض‌آمیز که زنان در تأسیس یا اداره یک کسب و کار با آن‌ها رو به رو هستند اشاره می‌کنند.

در کشور جامائیکا، کارآفرین زن برای گرفتن وام و برخوردار شدن از تسهیلات بانکی با مشکلات بسیاری مواجه هستند که دلیل اصلی آن به رفتار تبعیض‌آمیز بخش وام‌دهنده و این نگرش که از یک سو سطح تحصیلات زنان پایین بوده و نیز توانایی لازم برای معرفی ضامن را ندارند و از سوی بسیاری توانایی زنان را برای انجام امور بوروکراسی محدود می‌دانند؛ بر می‌گردد. در پاکستان، موفقیت اجتماعی برای زنان کارآفرین و به ویژه آن دسته از زنان که قصد ایجاد یک کسب و کار را دارند بسیار دشوار است. آن‌ها هم با موانع قانونی و هم با اقدام‌های تبعیض‌آمیز اجتماعی رو به رو هستند. با این که تعداد زنان در بسیاری از